

بررسی روند ساخت خط تلگراف مشهد - بیرجند - سیستان و مشکلات آن در سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۲۳ هجری قمری

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۱۰

علی نجف زاده^۱

محمد حسن الهی زاده^۲

چکیده

خطوط تلگراف یکی از مهم‌ترین و سریع‌ترین وسایل ارتباط همگانی در دوره قاجار بود. با تأسیس تلگراف‌خانه در نقاط مختلف دور و نزدیک، اخبار و گزارش‌ها سریع‌تر مبادله شد و تصمیم‌گیری‌ها و واکنش‌ها سریع‌تر انجام گرفت. خط تلگراف در شرق ایران ابتدا در سال ۱۲۹۳ق. به مشهد رسید و سپس شاخه‌های فرعی آن به سرخس، سیستان و درگز کشیده شد و نقاط مرزی و دورافتاده را به مراکز قدرت متصل کرد. یکی از مهم‌ترین خطوط تلگراف شرق ایران خط مشهد-سیستان بود که در سال ۱۳۲۰ق. تأسیس شد. ایجاد خط تلگراف از مشهد به سیستان به خاطر دوری مسافت و شرایط اقلیمی، مشکلات زیادی داشت. تفاوت نگرش روس و انگلیس نسبت به ایجاد این خط ارتباطی، شکل همکاری حکام قایمات و سیستان از دیگر مسائل پیش‌رو در این طرح بزرگ بود. نحوه تأمین و آماده کردن تیر تلگراف در مسیر خط، تدارک وسایل حمل و نقل، تأمین کرایه حمل و نقل، تعیین محل تلگراف‌خانه و محل اقامت اعضای هیأت سیم‌کشی، عبور از مناطق کویری خراسان و قانات، باتلاق اطراف دریاچه هامون و شیوه محافظت از سیم‌های تلگراف، از جمله مسائل و مشکلاتی بود که در هنگام سیم‌کشی پیش آمد که در این مقاله، مسائل فوق با تکیه بر اسناد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: خط تلگراف، بیرجند، مشهد، سیستان، قاجار.

۱. عضو هیأت علمی تاریخ دانشگاه بیرجند. نویسنده مسؤول. anajaf@birjand.ac.ir
۲. استادیار تاریخ دانشگاه بیرجند. mhelahizadeh@birjand.ac.ir

مقدمه

تلگراف یکی از مهم‌ترین وسایل ارتباطی در دوره‌ی قاجار بود. از زمان ورود تلگراف به ایران در ۱۲۷۴ ق. که به اهتمام علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه و توسط موسیو کریشش معلم توپخانه از عمارت سلطنتی تهران تا باغ لاله زار ایجاد شد (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۸۰۳) به تدریج در مناطق مختلف ایران سیم تلگراف کشیده شد و در رجب ۱۲۹۳ ق. سیم تلگراف زیر نظر هوتوم شیندلر^۱ توسط حیدرعلی خان سرهنگ وارد مشهد شد (صفایی، ۱۳۴۶: ۲۲). افتتاح خطوط تلگرافی فواید سیاسی زیادی برای دربار داشت. فاصله بین تهران و ایالت‌های دور دست را از میان برمی داشت و در ایجاد امنیت نیز تأثیر بسزائی داشت. رؤسای تلگراف‌خانه از طرف شاه موظف بودند وقایع حوزه مأموریت خود را روزانه به تهران گزارش دهند و خط تلگراف برای تظلم دادخواهان نیز وسیله خوبی بود، از این رو رؤسای تلگراف‌خانه در هر محل خبرنگار شاه بودند و نفوذ اجتماعی زیادی داشتند (همانجا).

زمانی که هنوز تلگراف به قاینات کشیده نشده بود، تلگراف‌های بیرجند برای سبزواری مخابره و از آنجا به بیرجند آورده می‌شد. گزارش قرائت یکی از تلگراف‌هایی که از سبزواری برای میر علم خان، امیر قاینات آورده شده برای مردمانی که هنوز از وجود خط تلگراف بی بهره بودند در نوع خود جالب توجه است. در روز یکشنبه اول محرم ۱۲۹۵ ق. بعد از ظهر بنا بر رسمی که از قدیم وجود داشت، همه مردم در مسجد عاشورا جمع شدند، خطبه و روضه خواندند و تعزیه‌داری کردند. در آن مجلس، امیر قائنات دو سه تلگراف بیرون آورد که تاریخ صدور آن ۲۳ ذیقعد ۱۲۹۴ ق. و از سبزواری رسیده بود، یکی از معتمدالملک که در جواب امیر قائنات صادر شده بود. یکی هم از حاجی کاظم خان که نوشته بود «دو روز دیگر جواب‌ها را خودم با خلعت می‌آورم» (اعتصام الملک، ۱۳۵۱: ۲۸۵). دو دهه پس از این تلگراف، هنوز خط تلگراف به بیرجند نرسیده بود و در سال ۱۸۹۱ م/۱۳۰۸ ق. که کرزن^۲ از خراسان عبور

۱. هوتوم شیندلر از صاحب‌منصبان آلمانی بود که به تابعیت انگلستان درآمد و بعد در ایران بوسیله مخابراتالدوله استخدام گردید و با عنوان «ناظم تلگراف‌خانه مبارکه دولت علیه ایران» به دستور مخابراتالدوله در نهم صفر ۱۲۹۳ ق. از تهران به سمت مشهد حرکت کرد تا مسیر شاهرود تا مشهد را برای ایجاد خط تلگراف مطالعه کند. سفر شیندلر از نهم صفر تا دوم رمضان ۱۲۹۳ ش. به طول انجامید و در ۲۰۰ روز تقریباً ۵۵۰ فرسخ طی کرد و خط تلگراف شاهرود تا مشهد را به طول ۲۹۰ میل در مدت ۶۸ روز کشید (بییت، ۱۳۶۵: ۳۸۰؛ سه سفرنامه، ۱۳۵۶: ۱۴۷ و ۲۱۱).
Houtum Schindler

کرد خبر داد در سال جاری بین مشهد و جنوب ارتباط تلگرافی نیست، ولی می‌گویند شاید سیمی بین بیرجند و پایتخت کشیده شود (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۴۳) و بالاخره یک دهه بعد از این سخنان کرزن، خط تلگراف مشهد - سیستان کشیده شد. سیم‌کشی خط تلگراف در هر منطقه از ایران شرایط و مشکلات خاص خود را داشت و منطقه شرق ایران شامل قاینات و سیستان موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی متفاوتی داشت و به همین جهت، هنگام سیم‌کشی خط مشهد - سیستان مسائل و مشکلات زیادی پیش آمد. علاوه بر مسائل طبیعی، عوامل انسانی نظیر قدرت‌های بیگانه و حکام محلی نیز مؤثر بودند و از این رو، سیم‌کشی خط مشهد - بیرجند - سیستان با مجموعه‌ای از مشکلات طبیعی و انسانی همراه بود که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. در این مقاله، با تکیه بر اسناد منتشر نشده مرکز اسناد آستان قدس رضوی که با شیوه پژوهش تاریخی و شیوه گردآوری مطالب کتابخانه‌ای فراهم گردید. به صورت توصیفی - تحلیلی مجموعه مسائل و مشکلات فراروی سیم‌کشی تلگراف در مسیر طولانی مشهد - بیرجند - سیستان را مورد بررسی قرار داده است.

سؤالات تحقیق

- ۱- رقابت روس و انگلیس چه تأثیری بر ایجاد خط تلگراف مشهد - سیستان داشت؟
- ۲- موقعیت جغرافیایی و طبیعی، چه مشکلاتی برای ایجاد خط تلگراف مشهد - سیستان ایجاد کرد؟
- ۳- حکام قاینات و سیستان، چه نقشی در ایجاد خط تلگراف مشهد - سیستان داشتند؟

ساخت خط تلگراف مشهد - سیستان

نفوذ روس و انگلیس در ایران دوره‌ی ناصرالدین شاه به اوج خود رسید و هر یک امتیازات مهمی به دست آوردند و درصدد توسعه قلمرو نفوذ در نقاط مختلف ایران بودند. یکی از راه‌های نفوذ روس و انگلیس در ایران تسلط بر خطوط تلگراف بود، زیرا از این طریق علاوه بر درآمد هنگفت، تبادل اطلاعات را نیز به کنترل خود در می‌آوردند.

خط تلگراف مشهد - سیستان از جمله خطوط مهم شرق ایران محسوب می‌شد و ایجاد آن به عوامل داخلی و خارجی بستگی داشت. مهم‌ترین عامل خارجی، سیاست روس برای

نفوذ در سیستان بود. روس‌ها از سال ۱۸۹۱م/۱۳۰۸ش. نخستین عامل خود به نام رحیم خان را به سیستان فرستادند. ولی وی به دستور حاکم محلی، میرزا علی اکبر خان حشمت‌الملک^۱، به جرم ارتکاب اعمال نامشروع گرفته و شلاق زده شد و اموالش ضبط گردید. سفارت روس در تهران علناً در مورد رحیم خان مداخله کرد و دارایی او پس داده شد و به‌رغم میل حشمت‌الملک همچنان در سیستان زندگی کرد (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۳۸۸).

روس‌ها ۸ سال پس از ورود رحیم خان به سیستان در سال ۱۸۹۸م/۱۳۱۶ق. کنسولی برای آنجا تعیین کردند و این اقدام به‌دلیل عدم وجود اتباع روس در آنجا و نداشتن تجارت یا منافع دیگری (همان: ۳۹۱)، باعث احساس خطر برای انگلیسی‌ها شد. به همین جهت، سایکس^۲ از کرمان رهسپار سیستان گردید که پس از استقرار در آنجا، در اکتبر ۱۸۹۹م/۱۳۱۷ق. سفری به بیرجند، مرکز سیاسی مهم شرق ایران کرد. وی پس از بازگشت از بیرجند، کنسولگری انگلیس در سیستان را تأسیس نمود (وین، ۱۳۸۳: ۱۲۰). دو سال بعد آرنولد هانری ساویچ لندور^۳ (۱۳۸۸: ۴۰۸) در ۱۹۰۱م/۱۳۱۹ق. به بیرجند سفر کرد از رقابت تجاری روس و انگلیس سخن گفت و تأکید کرد روس‌ها به شدت در حال پیشروی به سوی سیستان هستند و نفوذ آنها به خوبی احساس می‌شود. وی درباره بیرجند نیز نوشت باید در اینجاها کنسول‌های انگلیس مقیم باشند. با اوج گرفتن رقابت روس و انگلیس در سیستان، تصمیم احداث خط تلگراف مشهد - سیستان گرفته شد و روس‌ها نقش اصلی را در اتخاذ این تصمیم ایفاء کردند و به‌عنوان مجری این طرح بزرگ انتخاب شدند. روس‌ها در قسمت شمال و شمال شرق ایران نفوذ سیاسی زیادی پیدا کرده بودند و قصد داشتند این نفوذ را از طریق خط تلگراف در شرق ایران تکمیل کنند. ایجاد خط تلگراف مشهد - سیستان به‌وسیله ایران به عنوان بخشی از توافق ایران و روسیه بر سر دریافت وام سال ۱۹۰۲م/۱۳۲۰ق. بود و مقرر گردید بخشی از وام برای این هدف صرف و خط به‌وسیله وزارت تلگراف ایران ساخته شود، اما گزارشگران روس برای ارسال پیام، مجاز به استفاده از این خط بودند و این امتیاز متعاقباً

۱. امیر علی اکبر خان حسام‌الدوله دوم، پسر بزرگ میر علم خان حشمت‌الملک که بعد از مرگ پدر لقب وی، حشمت‌الملک به همراه حکومت سیستان و طبرستان به وی داده شد و تلاش زیادی کرد تا حکومت قایمات را به دست آورد. وی در سال ۱۳۳۳ق. فوت کرد و جنازه اش به مشهد حمل شد (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۱۷-۱۱۸).

2- sir perce sykes

3- A. Henry. savage. landor

به گزارشگران انگلیسی هم داده شد (Stebbins, 1997 : 185).

انگلیسی‌ها که پیشتر امتیاز خط تلگراف عراق تا هندوستان را به دست آورده و آن را از طریق بوشهر به هندوستان متصل کرده بودند، چندان بی‌میل به کشیده شدن تلگراف به سیستان نبودند. در سال ۱۹۰۱ م. / ۱۳۱۹ ق. که آرنولد هنری ساویچ لندور از سیستان عبور کرد، هنوز سیم کشی خط تلگراف مشهد - سیستان شروع نشده بود، ولی لندور برای حفظ منافع انگلستان در سیستان پیشنهاد کرد سیم تلگراف و راه‌آهن به سیستان کشیده شود (لندور، ۱۳۸۸: ۴۱۲).

همچنان که انگلیسی‌ها پیش‌بینی می‌کردند تصمیم ایجاد خط تلگراف شرق ایران گرفته شد و ایران در سال ۱۳۱۶ ق. به دنبال عملی کردن طرح افتاد. طبق گزارش انگلیسی‌ها در سال ۱۸۹۹ م. / ۱۳۱۶ ق.، رئیس تلگراف ایرانی در مشهد در ماه مارس، دستوری برای راه‌اندازی یک خط تلگراف جدید از مشهد به بیرجند، دریافت کرد. یک روس به طور مخصوص برای این سمت منصوب شد تا بین مشهد و سیستان خط تلگراف ایجاد کند و به وسیله ژنرال کنسول روسیه در مشهد فردی برای سازماندهی آن فرستاده شد. این خط با پست روسی سرخس تا کاریز، مرتبط بود (Iran political diaries 1881-1965, 1997, V. 1: 618).

دولت ایران نیز دلایلی برای ایجاد این خط تلگراف داشت. برقراری ارتباط با مناطق مختلف و کسب اطلاع از گوشه و کنار قلمرو، یکی از مهم‌ترین سیاست‌های دولت قاجار بود. به همین جهت، برنامه ارتباط تلگرافی با نقاط مختلف دور افتاده و مرزی در اولویت بود و ایجاد خط تلگراف سیستان نیز در همین راستا انجام گرفت.

پس از تصویب ایجاد خط تلگراف مشهد - سیستان، فراهم کردن مقدمات اجرای طرح حدود سه سال طول کشید. هاردینگ^۱ در ۳ مه ۱۹۰۱ م. گزارش داد مدیر تلگراف خانه مشهد گفته حکومت مرکزی نسبت به بهترین راه برای ایجاد یک سیم تلگراف تا تربت حیدریه پرس و جو کرد و مدیر پست ایالتی که ترتیب پستی را از بیرجند به سیستان توسعه داد، مصمم به رسیدگی این مسأله بود (همان، ج ۱: 13). هاردینگ هم چنین در گزارش ۴ مارس تا ۱ آوریل ۱۹۰۲ م. ساخت یک خط تلگراف بین مشهد و سیستان به وسیله

1- Arthur H. Harding

دولت ایران را گزارش داد (همان، ج 2: 53) شروع سیم‌کشی خط تلگراف از مشهد به سیستان در ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۱۹ ق. طی مراسمی رسمی در تلگراف‌خانه مشهد آغاز شد. برای این مجلس شاهزادگان، رجال دولتی، ژنرال کنسول‌های روس و انگلیس به صرف شربت دعوت شده بودند (ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۱۴۸). اخبار این مراسم روز ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۱۹ ق. در مطبوعات با عنوان "تلگراف سیستان" درج شد و اعلام گردید «در این ایام حسب الامر اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خط تلگراف از مشهد تا سیستان دایر می‌شود. لذا در روز ۲۴ ذی‌حجه خبیرالدوله^۱ رئیس کل تلگراف‌خانه‌های خراسان در تلگراف‌خانه مبارکه مجلسی منعقد کرد و نایب‌الایاله، منتخب‌الملک^۲ کارگزار امور خارجه، جنرال قونسول‌های دولت‌های روس و انگلیس و سایر صاحب منصبان و رؤسای ادارات دولتی از داخله و خارجه در آن انجمن حاضر شدند و پس از صرف چای، شربت و شیرینی جنرال قونسول روس نطقی مفصل بیان کرد.

روزنامه ادب درباره جزئیات مراسم آورده است: امروز که بیست و چهارم ذی‌حجه و چهاردهم عید نوروز است چهار ساعت مانده به غروب مجلسی در تلگراف‌خانه مبارکه منعقد شد و نایب‌الایاله، متولی باشی، کنسول روس، کنسول انگلیس، رؤسای گمرک، بانک و سایر اعیان، اشراف، تجار، جمعی از صاحب منصبان دعوت شدند و شروع به سیم‌کشی خط سیستان شد. ستون اول که نصب شد یک پرده شیر و خورشید به اسم شاه در آن نصب گردید و تمام اعیان خارجی و داخلی با صدای بلند به پادشاه ایران سلامت باد گفتند و کنسول روس شرحی مفصل به شرح زیر بیان کرد:

«حضرات حاضرین در این حوزه محترم که مجتمع برای مهم بزرگ شده‌ایم و آن این است که بر حسب امر اقدس اعلی حضرت همیونی شاه خلد الله ملکه که بوسیله خیریه ممتد سیم تلگراف بلاد بعیده را بمشهد مقدس اتصال می‌دهند این شاهد

۱. میرزا احمدخان خبیرالدوله، رئیس تلگراف خراسان پسر مستوفی فارس، و متولد شیراز بود. خبیرالدوله در ماه مه ۱۹۰۵م. به درخواست سفارت روس به تهران احضار شد (چرچیل، ۱۳۶۹: ۷۴).
 ۲. میرزا محمد قلی خان منتخب‌الملک متولد حدود ۱۸۴۸م. مدتی نماینده وزارت خارجه در بجنورد بود و برای سال‌های زیادی به عنوان نماینده وزارت خارجه در سیستان منصوب شد. سپس به عنوان کارگزار مشهد منصوب گردید و این پست را تا ماه ۱۹۰۴م. هنگامی که به تهران فراخوانده شد، در دست داشت (۶۰۸: ۲، ۱۹۹۷، ۱۹۶۵-۱۸۸۱ IRAN POLITICAL DIARIES).

دلیلی است که نتیجه توجه خاطر مآثر اعلیحضرت همایونی شاه سهولت و خیریت و منفعت عامه رعیت و آبادی تمام صفحاتت و خود این مجلس محترم جشن گواه بر این نطق است. پس لازم است که این محضر را معتم دانسته از صمیم قلب سلامت وجود مبارک اعلی حضرت پادشاه کل ممالک ایران و تمام سلسله عظمی سلطنتی و امتداد دولت و ترقی ایران را از خداوند مسئلت و ادای تبریک نمائیم.

و نیز در این موقع غنیمت بدانیم سلامتی حضرت مستطاب اشرف ارفع اسعد اکرم اتابک اعظم و جنابان مستطابان اجل اکرم وزیر کل ادارات جلیله تلگرافی مخبرالدوله^۱ و وزیر امور خارجه مشیرالدوله و حضرت اشرف ارفع امجد والا شاهزاده نیرالدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان و جناب جلالتمآب منتخب الملک کارگزار اول محترم خراسان و سیستان و جناب فخامت نصاب خبیرالدوله رئیس کل تلگرافات مملکت خراسان و سیستان و نواب والا کنیاز و اچنادزه^۲ که خدمات سابقه ایشان در امتداد تلگرافات در ایران مقبول دولت و امیدواریم که این خدمت پسند دولت علیه افتد و از خداوند می خواهیم» (ادب، شماره ۱۸، سال دوم، ۱۳۸-۱۳۹).

میرزا محمد قلی خان منتخب الملک کارگزار خارجه خراسان با خبیرالدوله رئیس تلگراف خانه خراسان مهمان داران این مجلس بودند که به خوبی مجلس را اداره کردند و جواب نطق پونافدین^۳ ژنرال کنسول روس و کلنل ترنج^۴ ژنرال کنسول انگلیس را که تبریک گفتند، ادا نمودند (ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۱۴۸).

موزیک چیان هم به زدن موزیک مشغول بودند و مهمانان شیرینی، شربت و عصرانه صرف نمودند و تمام اهالی از کشیدن سیم خط سیستان خوشحال بودند. شاهزاده نیرالدوله، والی خراسان، به واسطه پادرد نتوانست خودشان به تلگراف خانه بیاید و در این مجلس حاضر نبود ولی مراسم شروع سیم کشی خیلی باشکوه آغاز شد (ادب، شماره ۱۸، سال دوم: ۱۳۸-۱۳۹).

۱. حسین قلی خان مخبرالدوله پسر علی قلی خان مخبر الدوله بود که بعد از پدرش در ۱۸۹۷م. / ۱۳۱۴ه.ق. به نیابت از وی سرپرست وزارت تلگراف شد (چرچیل، ۱۳۶۹: ۱۶۰-۱۶۱).

۲. روزنامه ادب به صورت قنیاژواجی ناددی نوشته ولی عموماً کنیاز یا کنیاس نوشته می شد.

m.knyaz (Iran political Diaries 1881-1997, V. 2: 608)

۳. m.ponafidien م. پونافیدین جانشین ولانسف اولین سرکنسول روسیه در مشهد، در نهم ژوئیه ۱۸۹۷م. / ۱۳۱۴ق.

همراه خانواده اش وارد مشهد شد و تا سال ۱۳۲۲ ق. سرکنسول روسیه در مشهد بود (بیت، ۱۳۶۵: ۲۸۳).

4. colonel trench

به مناسبت این اتفاق مهم شعرای خراسان نیز اشعاری سرودند و با تبریک و تهنیت ماده تاریخ آن را ذکر کردند. حاجی میرزا صبوری، ملک الشعرای آستان قدس، قصیده مفصلی سرود که از شاه و اتابک اعظم یاد کرد و سیم تلگراف را به زنجیر عدل و داد و مخبرالدوله را به جبرئیل تشبیه نمود که پیام وحی را می‌رساند و از خبیرالدوله نیز یاد کرد که این خط را از مرکز خراسان به سیستان کشید. وی درباره سال این واقعه گفت:

ناگاه از آن میانه یکی شد برون و گفت پیوست سیم عدل الهی بسیستان (۱۳۲۰ قمری) (صبوری، ۱۳۴۲: ۵۷۶).

سالک سبزواری نیز شعری سرود و از شاه و اتابک اعظم یاد کرد و مخبرالدوله را نخستین آصف روشن ضمیر قلمداد نمود و اشاره کرد که در زمان حکومت نیرالدوله بر خراسان، خبیرالدوله سعی وافر در محکم ساختن این بنیاد نمود و به حکم شاه به سوی زابل تلگراف کشید. آقا میرزا متخلص به مشکوه نیز در شعر خود مخبرالدوله را وزیر ابن وزیران خواند که سیم به سوی سیستان کشید و درباره تاریخ آن سرود:

گفت مشکوه از پی تاریخ ز اقبال ملک نیمروز امروز شد آباد زین زنجیر عدل (ادب، شماره ۱۸، سال دوم: ۱۳۸-۱۳۹).

مرحله اول: مشهد - خواف

اجرای خط تلگراف مشهد - سیستان در چهار مرحله اصلی انجام شد. مرحله اول از مشهد تا خواف، مرحله دوم از خواف تا قاین و بیرجند که در حوزه حکومت شوکت‌الملک^۱ بود. مرحله سوم از بیرجند تا سربیشه که باز هم در حوزه قلمرو شوکت‌الملک بود و مرحله چهارم از سربیشه تا سیستان که در حوزه حکومت حشمت‌الملک قرار داشت.

مرحله اول که حدود ۵ ماه به طول انجامید در اواخر جمادی الاولی و اوایل رجب ۱۳۲۰ ق. به پایان رسید. روزنامه ادب درباره شهرهای مسیر تلگراف و فواید آن در ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۰ ق. به طور مفصل چنین نوشت:

۱. امیر اسماعیل خان شوکت‌الملک اول فرزند میرعلم خان سوم حشمت‌الملک و نوابه خفی دختر میرزا محمدخان نهی که بعد از فوت پدر حکومت قاین را به دست گرفت و منصب و مرتبه او امیر تومانی بود و شوکت‌الملک لقب جدیدی بود که بعد از مرگ پدر به وی داده شد. وی تا سال ۱۳۲۰ ق. که به تهران فراخوانده شد بر قایمات حکومت کرد و بالاخره در سال ۱۳۲۲ ق. فوت کرد (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۱۹).

«از قرار معلوم به زودی به واسطه مساعی و مجاهدت خبیرالدوله سیم تلگراف دولت ایران که پنج ماه قبل کشیدن آن شروع شده تا سرحد سیستان ممتد خواهد شد و از این خط در مراکز حکومتی جزئی از قبیل تربت، خوف، قاین، بیرجند و سیستان و بعضی قصبات مهم متعلق به آنها که در عرض راه واقع شده‌اند، تلگراف خانه دایر خواهد گشت و بدین وسیله اسباب و وسائل راحتی و امنیت عموم رعایا حاصل و لوازم تسهیل مخابرات فراهم می‌شود» (ادب، شماره ۳۴، سال دوم: ۲۶۹-۲۷۰). خبیرالدوله مجری و مسئول ایرانی این خط بود و روزنامه ادب درباره نقش او نوشت: «انصافاً جناب خبیرالدوله در فراهم آوردن این اسباب خیلی متحمل زحمت و مشقت شده‌اند و با وجود آنکه در وقت حرکت از مشهد آگاه بودیم که حالا مریض و کسل بودند چشمشان هم بواسطه بعضی نزولات بی‌نهایت خسته بود مع ذالک روشنی چشم خود را در خدمت بدولت دیده و توتیای چشم بصر و کحل الجواهر بینائی را از گرد این راه و خاشاک این طریق به دست آورده و در طی این وادی سر از پا نشناخته است» (همانجا). روزنامه ادب سپس شرح تلگراف خبیرالدوله به یکی از محترمین، میرزا فتحعلی خان منشی مخصوص، شده بود، محض آن که هموطنان بدانند تا کدام نقطه می‌توان تلگراف مخابره کرد و در روزنامه درج نمود:

تلگراف جناب خبیرالدوله از خوف

خدمت جناب آقای میرزا فتحعلی خان منشی مخصوص دام اقباله عرض سلام دارم و ظهور الطاف عالی را متشکرم استعمال از سیم کشی خط سیستان فرموده بودید که تا کجا رسیده و چه شده است بحمدالله تعالی بیاری خداوند و از توجهات و همراهی حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد والا ایالت کبری مدظله العالی سیم از مشهد تا روی که پایتخت خوف است تمام است چهار دستگاه تلگراف خانه از مشهد تا خوف معین و برقرار شده باین تفصیل. یک تلگراف خانه و دو دستگاه در بازه (حوض) هور که میانه مشهد و تربت است نصب و برقرار شده و یک تلگراف خانه هم در تربت برقرار شده و یک تلگراف خانه و دستگاه هم در قصبه رشتخوار که فیما بین تربت و خوف است نصب شده و یک تلگراف خانه هم در قصبه روی که پای تخت خوف است، برقرار شده است» (همانجا).

خط مشهد - سیستان بعد از خروج از مشهد همان مسیر خط مشهد - تهران را پیمود تا به برج لنگر، برجی در سمت چپ جاده بین تربت حیدریه و مشهد در فاصله ۶۲ مایلی (۱۰۰ کیلومتری) تربت رسید. در این جا جاده و خط تلگراف تهران از طرف غرب و خط سیستان در امتداد جاده مشهد - سیستان کشیده شد (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۱۵۱). خط تلگراف سپس به جلگه رخ می‌رسید و از کنار اسداباد، روستایی در کنار جاده تربت حیدریه - مشهد در فاصله ۲۸ مایلی (۴۵ کیلومتری) تربت و ۵۵ مایلی (۸۸/۵ کیلومتری) مشهد عبور می‌کرد (همان: ۷۶). تربت یکی از مهم‌ترین شهرهای مسیر خط تلگراف مشهد - سیستان بود. تلگراف‌خانه‌های بین راه از همان زمان عبور خط، فعالیت خود را شروع کردند. تربت یکی از اولین شهرهای این مسیر بود که خدمات تلگرافی آن آغاز شد. شاهزاده ابراهیم خلیل میرزا رئیس تلگراف‌خانه تربت طی اطلاعیه‌ای درباره شروع این فعالیت اعلان کرد هر کس در آن حدود طالب اشتراک است به ایشان رجوع کند (ادب، شماره ۳۴، سال دوم: ۲۷۲).

انگلیسی‌ها نیز یک سال پس از عبور خط تلگراف از تربت در سال ۱۹۰۳ م. / ۱۳۲۱ ق. در آن جا کنسولگری تأسیس کردند که دارای یک کنسول، یک تلگرافچی انگلیسی، یک کارمند پزشکی، یک کارمند جزء و گروه اسکورت متشکل از ۲۵ سوار هندی بود (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۲۱۶).

خط تلگراف پس از تربت به جای مسیر مستقیم ارتباطی تربت - گناباد - قاین به سوی شرق رفت. یکی از علل این تغییر مسیر وضعیت طبیعی منطقه مرکز خراسان بود. بیابان‌های بین گناباد - تربت در اواخر دوره قاجار یکی از ناامن‌ترین مسیرهای خراسان بود و شرایط آب و هوایی گرم و بیابانی این مسیر نیز عبور خط تلگراف را از آنجا سخت‌تر می‌کرد. علاوه بر این، امتداد خط تلگراف به رشتخوار و خواف روس‌ها را به مرز افغانستان نزدیک‌تر می‌کرد، زیرا علاوه بر مسائل سیاسی، تجارت روس‌ها با افغانستان نیز اهمیت خاصی داشت. در رجب ۱۳۲۰ ق. سیم تلگراف تا [روی] که پایتخت خواف بود، امتداد یافت (سپهر، ۱۳۸۶: ج ۱: ۶۲۷). گزارش ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۲ م. / ۱۳۲۰ ق. حکایت از آن دارد که خط تلگراف از مشهد - سیستان به خواف رسید (Iran political diaries 1881-1965, 1997, V. 2: 78).

مرحله دوم: خط خواف - بیرجند

خط تلگراف از خواف به سوی جنوب پیش رفت و به خاطر وضعیت اقلیمی و آب و هوایی سختی‌های خاص خود را داشت. خبیرالدوله در ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۰ ق. برخی از مشکلات این قسمت از خط را در تلگراف خود آورد و نوشت: «از خواف به سمت قاین و بیرجند شروع شده، تاکنون سیم به این زحمت و سختی در ایران کشیده نشده چون در هر جای هر سه فرسخ، چهار فرسخ تیر پیدا می‌شود و از خواف تا سیستان تیر پیدا نمی‌شود و اغلب راه بی‌آبادی و آب و باید از خواف تا سیستان که صد و بیست فرسخ است، حمل شود با این حالت تیرها را حاضر کرده مشغول حمل هستند و تیرها هم سرو کوهی است که بادوام زیاد و خیلی محکم و وزین است و با این سختی راه و گرانی اجناس و جمعیت زیاد نگذاشته‌ام یک روز کار معطل و دیناری به احدی تعدی و بی‌حسابی شود» (ادب، شماره ۳۴، سال دوم: ۲۶۹-۲۷۰).

خبیرالدوله پس از آن با آماده کردن شرایط امتداد سیم‌کشی از خواف به سوی قاین به مشهد بازگشت و در اواخر جمادی الاولی ۱۳۲۰ ق. از جانب خود محمدحسین خان سرتیپ را به عنوان رئیس تلگراف قاینات روانه بیرجند نمود و برنامه‌های فعالیت او را طی نامه‌ای به شوکت‌الملک حاکم قاینات نوشت و وعده داد زمانی که سیم به بیرجند رسید از مشهد به بیرجند خواهد آمد.

خبیرالدوله درباره انتخاب محمدحسین خان سرتیپ به عنوان رئیس تلگراف خانه بیرجند نوشت: «جناب سرتیپ را برای بیرجند انتخاب نمود که محل توقف خود را آنجا قرار دهد. چون این بنده دوست صمیمی هستند و با جنابعالی هم سابقه دارند باید خیلی ممنون مخلص باشد که ایشان را معین کرده‌ام. از هر جهت قدر ایشان را بدانید ایشان هم در هر قسم دوستی و فرمان جنابعالی حاضرند و با ایشان مذاکره شده است. قدر این مسأله را خیلی بدانید» (آستان قدس ضوی: سند شماره ۱/۳-۲۵۰). خبیرالدوله اهمیت و مشکلات کار در قسمت قاینات را نیز برای شوکت‌الملک تشریح کرد. در قاین و بیرجند باید پنج شش هزار تیر جهت ستون تلگراف تهیه می‌شد و از شوکت‌الملک خواست دستور دهد زودتر آنها را حاضر کرده و به قیمت مناسب واگذار نمایند تا معطلی برای احداث خط تلگراف پیش نیاید. خبیرالدوله هم چنین تأکید کرده در این باب با جناب سرتیپ باید کمال همراهی شود. وی هم چنین

وعده‌ها و تشویق‌هایی نیز برای همکاری داد و نوشت: «خوب می‌دانید که در این کار بزرگ مهم دولتی هر کس همراهی و خدمت نماید از طرف اولیای دولت همه قسم مرحمت خواهید دید چنانچه تمام حکام تا خواف همه قسم خدمت و همراهی کردند به زودی سیم ممتد شد. البته جنابعالی هم در خاک قلمرو حکم‌فرمایی خودتان همه قسم همراهی و التفات خواهید فرمود». انتخاب سرتیپ محمدحسین خان برای نظارت مستقیم بر این قسمت از خط تلگراف بود و خبیرالدوله علت دیگر انتخاب سرتیپ محمدحسین خان را چنین نوشت: «سرتیپ را به بیرجند روانه نمودم که جنابعالی از هر جهت راحت باشد و امورات آن خط بر عهده ایشان است و البته لازمه دوستی را از هر جهت معمول خواهید فرمود. مخلص هم تا در ارض اقدس هستم هرگونه فرمایش و خدمتی باید مرجوع فرمایند که در خدمت حضرت ایالت کبری و سایر انجام داده اطاعت نمایم» (همانجا).

احمد تلگرافچی از دیگر مسؤولان این طرح و مسؤول تدارک امکانات و پرداخت هزینه‌ها بود. وی در نامه به شوکت‌الملک نوشته با خبیرالدوله رئیس کل ملاقات کرده و سوگند یاد کرد شهدالله تاکنون همه نوع همراهی در عمل سیم‌کشی فرموده‌اند. لازم است که تا آخر هم همراهی فرمایند. یکی از مسائل و مشکلات مهم در این مسیر انتقال چوب از بنی‌آباد به دیگر مسیرهای جنوبی‌تر بود. دو موضوع تهیه شتر و کرایه حمل، از نکات قابل توجهی بود که در مذاکرات به آنها اشاره شده است. احمد تلگرافچی در این زمینه می‌خواست از حاکم قاینات بهره بگیرد و نوشت از قرار معلوم در اطراف بنی‌آباد و مژن‌آباد که در قلمرو حکمرانی جنابعالی است، شتر بسیاری هست و تقاضا کرد تلگرافاً حکمی به آنجا بفرمایند در صورتی که شتر هست ۱۰۰ یا ۲۰۰ نفر شتر تیر از بنی‌باد بیاورند. درباره کرایه حمل چوب نیز نوشت از قرار فرسخی سی‌شاهی می‌پردازیم. احمد تلگرافچی جهت همراهی بیشتر حکام قاینات تأکید کرد این التفات را برای پیشرفت خدمت به دولت باید بفرمایند. با این که محاسبات کلیه این خط با این بنده است و تلگراف‌خانه را هم به بنده سپرده‌اند هر نوع خدمات و امری باشد در کمال اطاعت برای انجام حاضر (همان: سند شماره ۲۵۰۲/۲).

یکی از نتایج احداث خط تلگراف ایجاد یک جاده ارتباطی از مسیر خط عبور و مرور و سرکشی از آن بود. به همین جهت، یک راه ارتباطی در شرق ایران ایجاد شد که تا آن زمان بی

سابقه بود و قاین را به خواف متصل می کرد. این راه در مسیر خود از روستاهای متعددی عبور می کرد و تلگراف خانه هایی در آنها ایجاد شده بود. سلطان آباد زوزن در جلگه زوزن خواف، روستایی متروک در اواخر دوره قاجار بود که در امتداد جاده ای موازی با خط تلگراف مشهد - سیستان و در فاصله ۴۴ مایلی (۷۰/۸ کیلومتری) قاین و ۲۴ مایلی (۳۸/۵۷ کیلومتری) خواف قرار داشت و به خاطر عبور خط تلگراف حائز اهمیت بود (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۵۶۳). پس از آن بوهن آباد^۱ روستایی در حد فاصل بین قاین و خواف و در کنار جاده در امتداد خط تلگراف واقع شده بود و اگرچه در ابتدا اداره تلگراف داشت، ولی در سال ۱۹۰۵م. / ۱۳۲۳ ق. تلگراف خانه آن منحل شده بود و تماس های تلگرافی فقط به منظور تعمیرات خط انجام می گرفت (همان: ۱۷۴). بنی آباد نیز یکی از مهمترین تلگراف خانه های مسیر خواف به قاین بود. محمد تلگرافیچی در ربیع الاول ۱۳۲۲ ق. مسؤول تلگراف خانه بنی آباد بود و درباره اثرات مثبت خط تلگراف بر اهالی نوشت از زمانی که وارد بنی آباد شده همه قسم در حق رعیت قاینات حمایت نموده، دنبال دردشان رفته و اگر سایر تعدی نمودند رفع کرده است (آستان قدس رضوی: سند شماره ۱-۷۵۹۴۳/۴). فرخی نیز دیگر روستایی بود که در حد فاصل بین خواف و قاین در کنار جاده کنار خط تلگراف مشهد - سیستان قرار داشت و فاصله این آبادی از قاین ۴۱ کیلومتر بود (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۶۷۴).

عدم استقبال از مأموران تلگراف در قاین

سیم تلگراف با تلاش هیأت ایرانی و روسی به شهر قاین رسید و مخبرالدوله طی تلگرافی به شوکت الملک از شنیدن خبر رسیدن سیم به قاین و همکاری وی اظهار خوشحالی کرد (آستان قدس رضوی: سند شماره ۳۷۰۷)، ولی با وجود وقوع چنین اتفاق مهمی، در شهر قاین تدارک و استقبالی از مجریان و مسؤولان سیم کشی نشد. حتی نایب الحکومه قاین نیز در شهر نبود تا مقدمات چنین استقبالی را فراهم نماید. احمد، خادم پست خانه قاینات درباره

۱. بوهن آباد یا بهمن آباد کنونی در فاصله ۸۷ کیلومتری قاین و ۶۴ کیلومتری خواف، آبادی در دشتی بین کوه خواجه شاز و کوه کبیر است. آب فراوان داشت و از قناتی تأمین می شد و در اواخر دوره قاجار ۲۰ واحد مسکونی و ۴۰ نفر جمعیت داشت (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

رسیدن سیم تلگراف به قاین در نامه‌ای بدون تاریخ نوشت: «یوم یکشنبه نهم شهر حال سیم دولتی وارد بلده قاین شد» (همان: سند شماره ۲۵۰۶/۲). این عدم تدارک استقبال که شاید تا آن زمان بی سابقه بود، واکنش بسیاری از مسؤولان این طرح بزرگ را برانگیخت. به طوری که خبر آن به تهران نیز رسید و حتی صدراعظم را دچار شگفتی کرد و به طور تلگرافی از اینکه در قاین به مأموران تلگراف جا نداده‌اند اظهار تعجب کرد (همان: سند شماره ۳۷۰۶/۱). محمدحسین خان سرتیپ تلگراف‌خانه بیرجند که عالی‌ترین مقام ایرانی در این مأموریت در قسمت قاینات بود، طی نامه‌ای به شوکت‌الملک حکمران قاینات، ضمن انتقاد به خاطر عدم استقبال اهالی از هیأت وارده به قاین، اعضای این هیأت را چنین معرفی کرد: «روز سه شنبه جناب کنیاز و اچاندازه جهت امتداد خط تلگرافی و یک نفر شاهزاده سرتیپ و یک نفر سرهنگ و مأمورین دیگر وارد بلده قاین شدیم که مأموریت خود را از جهت دیدن خط راه و حاضر نمودن تیر و آذوقه مأمورین و گاریچیان و غیره انجام داده پس از آن عازم بیرجند شوم» (همان: سند شماره ۲۵۰۷/۱). وی درباره عدم استقبال از این هیأت عالی‌رتبه، چنین انتقاد کرد که «چون ترتیب کار در نقطه قاین، به واسطه نبودن نایب‌الحکومه و مأمور جنابعالی نقص کلی داشت و انجام این مقاصد، در قدرت رعایای بلده نبود و گفتگوی آنها را بی‌اطلاع جنابعالی صحیح ندانستم. بنابراین روز جمعه هفدهم از بلده قاین به سوی بیرجند حرکت می‌کنیم» (همانجا). این تجربه تلخ در قاین باعث شد تا محمدحسین خان سرتیپ تلگراف‌خانه درباره تدارک ورود به بیرجند تأکید خاصی بنماید و بنویسد و الساعه فردا که یکشنبه نوزدهم است خدمت جنابعالی خواهیم رسید و تهیه منزلی که مناسب ورود این بنده و محل تلگراف‌خانه مبارک باشد متوجه جنابعالی است (همانجا).

سرتیپ تلگراف‌خانه برنامه سفر کنیاز به بیرجند را نیز برای شوکت‌الملک نوشت که روز پنجشنبه قصد بلده بیرجند داشت تا شوکت‌الملک را ملاقات و نقشه سیم را هم ملاحظه نمایند که از کدام مسیر باید کشیده شود (همان: سند شماره ۲۵۰۶/۲) با عزیمت سرتیپ محمدحسین خان به بیرجند مأمورین تلگراف‌خانه و اجزاء در قاین ماندند تا بعد از ورود وی به بیرجند تکلیف آنها معلوم شود (همان: سند شماره ۲۵۰۷/۱).

تأسیس تلگراف خانه بیرجند

بیرجند مهم ترین مرکز خط تلگراف در قطعه دوم بود، زیرا مرکز قلمرو خاندان علم و قاینات محسوب می شد. به همین جهت تأکید خاصی درباره محل تلگراف خانه بیرجند شد. با وجود این اهمیت، در عمل ایجاد تلگراف خانه بیرجند مشکلات محلی داشت. احمد، خادم پست خانه که مسؤول دایر کردن تلگراف خانه بیرجند بود، در نامه به مدیر کل خراسان و سیستان بخشی از این مشکلات را توضیح داد. بر حسب امر دولت، به وی حکم دادند دو سه اطاق جهت تلگرافچی روس ساخته شود و این تلگراف خانه باید در پشت تلگراف خانه ایرانی درست می شد. وقتی وی حسب الحکم، معماری برد و جایی برای تلگراف خانه روس پیدا کرد، کربلانی علی اصغر نامی مانع شد و مدعی بود که این زمین را خریده است و تقاضا می کرد پول مرا بدهند و بعد تلگراف خانه بسازد. احمد، خادم پست مدعی بود در این دستور حکم به خریدن زمین نشده و از مدیر کل خراسان و سیستان تکلیف خواست تا به ریاست کل اطلاع دهد (همان: سند شماره ۲۵۰۳/۱).

از آنجا که ساخت تلگراف خانه وقت زیادی می گرفت و اعضای هیأت سیم کشی در حال ورود به بیرجند بودند، شوکت الملک خانه میرزا قوشیدخان را به زور تخلیه و در اختیار آنان قرار داد. این اقدام زورگویانه حاکم قاینات، خیلی زود به صورت شکایت به گوش نیرالدوله حاکم خراسان رسید. نیرالدوله نیز در ۲ شعبان ۱۳۲۰ ق. طی نامه‌ای به شوکت الملک او را توبیخ کرد و چنین نوشت:

از قراری که از قاینات شکایت کرده اند خانه میرزا قوشیدخان را به عنف گرفته به اجزای تلگراف خانه داده‌اید. برای تلگراف خانه می بایست خانه‌ای باشد که صاحبش به رضایت خاطر اجاره بدهد. حکمی به شما نشده است که خانه مردم را با غرض بگیرید به اجاره بدهید. وانگهی میرزا قوشیدخان خودش تازه عیال اختیار کرده، به آنجا آورده است جهت ندارد که خانه او را از راه غرض بگیرید به تلگراف خانه بدهید. البته خانه دیگر برای اجزای تلگراف خانه معین کرده و خانه میرزا قوشیدخان را بخودش واگذاری و مشارالیه را آسوده نمائید (همان: سند شماره ۳۷۰۸/۱).

احمد، خادم پست به تلاش خود برای ایجاد یک تلگراف خانه ادامه داده بود و برای تهیه

منزل جهت تلگراف خانه «زمانی که سیم وارد بلده بیرجند شود منزلی جهت سر سیم تخلیه نمود و هر کجا خرابی داشت تعمیر کرد و سرهنگ تلگراف خانه در همان منزل اقامت نمود» (همانجا).

مرحله سوم: خط بیرجند - سرپیشه

پس از رسیدن خط تلگراف به بیرجند نوبت به ادامه آن به سیستان رسید. طبق گزارش ۲۰ آوریل ۱۹۰۳ م/۱۳۲۱ ق. کنسول روسیه با عجله یک خط جدید تلگراف از بیرجند تا سیستان را ترسیم و آن را با حکام محلی عملی کرد و با ۲۰۰ شتر برای فرستادن به نه جهت حمل تیرهای تلگراف از آنجا تا سیستان کمک کرد (V. 1: 104, Iran political diaries 1881-1965, 1997).

تهیه وسایل و تدارک تلگراف مشهد- سیستان به دو شکل انجام گرفت. در بخش اول قبل از ورود به قاینات حمل تیر، سیم و مقره به صورت کنترات به گاریچی‌ها داده شد و محمد گاریچی یکی از کنترات‌چی‌ها بود که مدتی نیز در مسیر قاینات فعالیت کرد. در این قسمت، اداره تلگراف هزینه را پرداخت می‌کردند، اما از زمانی که خط تلگراف وارد منطقه قاینات شد مشکل تازه‌ای به خاطر شرایط اقلیمی و آب و هوایی به وجود آمد. به خاطر فقدان تیر در مسیر خط باید تیرهای تلگراف از نشتیفان^۱ و بنی‌آباد در خواف به قاینات حمل می‌شد و مسافت بسیار طولانی تا سیستان این مشکل را بیشتر می‌کرد. تعداد زیادی درخت کاج در نشتیفان و روستاهای اطراف وجود داشت و به منظور استفاده به عنوان تیر تلگراف خط مشهد - سیستان به کار رفت که قیمت متوسط هر یک از آنها ۲ و نیم قران بود (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۱۰۲۹). مشکل دوم عدم کارایی گاریچی‌ها در این مسیر کویری بود. در این منطقه کویری مهم‌ترین ابزار حمل و نقل شتر بود. از آنجا که حکام محلی خود بزرگترین شتردارها بودند، مسؤولیت این کار برعهده آنها گذاشته شد. به همین جهت، چون از بیرجند تا سیستان ممکن نبود گاریچی بتواند تیر حمل نماید، این کار بر عهده شوکت‌الملک و حشمت‌الملک حکام قاینات و سیستان گذاشته شد (آستان قدس

۱. نشتیفان یا نشتفون روستایی در منطقه خواف، در دره‌ای در فاصله ده مایلی جنوب شهر خواف که در اواخر دوره قاجار دارای ۳۰۰ واحد مسکونی بود و آب آن از ۵ کاریز تأمین می‌شد. تعداد ۲۳ دستگاه بادی و ۳ دستگاه آسیاب آبی داشت. اکثریت جمعیت آن سنی بودند (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۱۰۲۹).

رضوی: سند شماره ۱-۳/۲۵۰۱).

قبل از عبور سیم تلگراف از بیرجند، مهم‌ترین وسایل حمل و نقل در سیم‌کشی اسب بود و بخش مهمی از فعالیت مسؤولان، تهیه علوفه برای این حیوانات بود. طبق گزارش احمد، خادم پست برای هر اسب در شبانه روزی سه من جو می‌دادند. جو را از جنگل^۱ می‌آوردند ولی این مقدار کافی نبود. وی میزان مصرفی جو را تا ۲۰۰ خروار برآورد کرد و دستور داد مقداری از آن را از کُرّه^۲ بیاورند (همان: سند شماره ۱/۲۵۰۸). وی انتقاد کرده که با سواره و عمله قدری بی‌قاعده رفتار می‌نمایند (همانجا).

مشکل اصلی این خط تلگراف تأمین چوب و تیرها بود. خبیرالدوله رئیس تلگراف خراسان از مشهد برای مهندس کنیز تلگراف کرد و وی این پیام را برای حاکم بیرجند فرستاد. خبیرالدوله گفته بود باید آنچه گاو و الاغ در بلده قاین ممکن است، آماده کنید که از نشتیفان خواف چوب بار کرده سر راه تلگراف بیاورند و تمام مال‌های رعیت خواف را پس فرستند (همان: سند شماره ۲/۲۵۰۸). با همکاری حکام محلی، پیشرفت سیم‌کشی تلگراف تا بیرجند خوب بود. ابوالفتح قاجار در نامه سه‌شنبه ۱۱ رجب ۱۳۲۰ ق. به بلدیة بیرجند نوشت: «مأموری که برای آوردن تیر به دهات فرستاده بودند به قریه مسک رسید» (همان: سند شماره ۱/۲۵۱۱). وی ضمن تشکر از شوکت الملک درباره پیشرفت کار نوشت: «از مرحمت عالی تا امروز ۳۹۰۰ تیر تهیه شده است. انشاءالله قدری هم در قریه مسک و چند کلاته دیگر این دو روزه تهیه کرده بعد در بلده بیرجند خدمت سرکار شرفیاب خواهد شد» (همانجا). یکی دیگر از مشکلات سیم‌کشی در مسیر قاینات تأخیر و دیر رسیدن پول بود. ابوالفتح قاجار در این باره نوشته بخشی برای نرسیدن پول معطل شده و الا کارها همه در تحت انتظام است. آن هم انشاءالله با ورود به بیرجند پول خواهد رسید و برای رعایا و غیره فرستاده خواهد شد. تهیه تدارکات توسط مأموران تلگراف به تنهایی انجام نمی‌گرفت بلکه باید مأموران و سربازانی از سوی حکومت در اختیار هیأت و تهیه کنندگان تیر قرار می‌گرفت. ابوالفتح خان قاجار از شوکت الملک تقاضا کرد چند نفر مأمور معین نمایند و حاضر باشد تا رسیدن وی ترتیب کارها را داده، فوراً برای روانه کردن تیر و حمل به سر راه رفته، مشغول باشند و درباره نقش سربازان

۱- (۵۰ کیلومتری جنوب غربی رشتخوار).

۲- (۲۰ کیلومتری غرب قاین).

در این تدارکات نیز نوشت: «چون تاکنون تیر تهیه شده دیگر محتاج به احضار سرباز نیست» (همانجا). تهیه تیر تلگراف برای خط بیرجند - سیستان آن قدر حائز اهمیت بود که از سوی بالاترین مقام اجرایی کشور، اتابک اعظم یا صدر اعظم نیز به شوکت‌الملک دستوری صادر شد. اتابک اعظم دستور داده بود ۵۰۰ نفر شتر برای حمل تیر تلگراف تهیه نمایند و برای هر شتری دو تومان کرایه داده شود. شوکت‌الملک گوشه‌ایی از فعالیت‌هایش را در جواب اتابک اعظم چنین نوشت:

«مکرر شرح خدمات اهالی در این سیم‌کشی دولت بعرض رسانیده و خاطر مبارک کاملاً مسبوق است که دیگر محتاج به عرض و جسارت نیست. با این تفصیل، هر شتری که حامل دو حلقه ستون تلگرافی است هشت تومان زیاده‌تر کرایه‌بندی و معمول شده است. ۵۰۰ نفر شتر در این قرار ۴۰۰۰ تومان کرایه می‌شود. ۱۰۰۰ تومان از طرف دولت مرحمت می‌شود. چون اهالی این ولایت بواسطه قحطی دیگر جانی برای اینها نمانده که چاکر بتواند مجدداً تحمیلی بر آنها نماید، خود چاکر متحمل این تفاوت خواهد شد و بطوری که امر و مقرر فرموده‌اند تهیه دیده، به زودی شتر را روانه خواهد نمود که مشغول حمل تیر تلگراف شود و بقدری که مقدور این چاکر جان‌نثار است در خدمتگذاری و جان‌فشانی در همراهی دولت ابدمدت ابداً قصور نخواهد شد» (همان: سند شماره ۲۵۰۹/۱).

با این تدارکات، تأخیرهای جزئی نیز در اجرای سیم‌کشی وجود داشت. به‌طور مثال در نامه‌ای به شوکت‌الملک آمده: «دور بلده فعلاً کار جهت چوب که باید از بیابان بیاورند قدری معطل است. باید از بیابان بیابند و چوب بیاورند» (همان: سند شماره ۲۵۰۶/۲). مجریان بر این عقیده بودند که حکام قایمات و سیستان باید این مسیر را بین خود تقسیم کنند. یکی از مسؤولان سیم‌کشی در این باره نوشته: «سعی سرکار و سرتیپ و کمترین غلامان هم اینست که انشاء الله راه را از بنی‌آباد تا سیستان دو قسمت نموده یک نصف با کارگزاران شوکت‌الملک و نصف دیگر با حشمت‌الملک باشد» (همانجا).

در تلگرافی دیگر قبل از این که سیم به بیرجند برسد به نقل از تلگراف‌خبرالدوله نوشته شده: «از اینجا تا سیستان هم که با دو سرکار بندگان اجل اعظم است» (همان، سند شماره

۲/۸/۲۵۰). مهندسین سیم‌کشی نیز این راه را پس از بررسی تقسیم کردند. در نامه حشمت السلطان به شوکت‌الملک، در ۱۳ محرم الحرام ۱۳۲۲ ق. نیز به این مسأله اشاره شده که سرتیپ جهت تقسیم راه سیم از قریه بنی‌آباد تا سربیشه راه را سنجیده‌اند که باید مخارج سیم تلگراف خانه با کارگزاران شوکت‌الملک و از سربیشه تا سیستان با کارگزاران حشمت‌الملک باشد. سرتیپ هم در این کار خیلی ساعی بود که بلکه یک نوع خدمت را جهت شوکت‌الملک کرده باشد (همان: سند شماره ۱/۲۵۰۶).

یکی از علل واگذاری این قسمت از کار به حکام قاینات و سیستان مشکلات تأمین وسایل حمل و نقل بود. در نامه خبیرالدوله به شوکت‌الملک تأکید شده تیر باید از بیرجند تا سیستان حمل شود بر ذمه جنابعالی و جناب حشمت‌الملک است که باید با شترهای خودتان حمل نمائید. این نامه نشان می‌دهد این اقدام گریز ناپذیر بود ولی برای هزینه آن دو پیشنهاد و راهکار وجود داشت: یا شوکت‌الملک و حشمت‌الملک تیرها را از بیرجند تا سیستان حمل نمایند و کرایه آن را به دولت پیشکش کنند یا در مقابل این خدمت، دستمزد بخواهند. در این صورت، بر عهده خبیرالدوله بود که وجه را گرفته و برساند. در این صورت، هزینه حمل تیرها باید محاسبه می‌شد. به هر قسم که به گاریچی‌ها کرایه داده بودند برای آنها هم به دهند و با شتر حمل نمایند. ولی خبیرالدوله توصیه کرد حکام قاینات و سیستان تیرها را با شترهای خودشان حمل کنند و کرایه را پیشکش دولت نمایند که این کار «همه قسم نیک نامی و افتخار در دولت حاصل نماید» (همان: سند شماره ۱/۳-۲۵۰). به نظر وی این کار نتایج خوبی داشت و تفصیل آن را به محمدحسین سرتیپ گفته بود که محرمانه به شوکت‌الملک بگوید و قرار بود تفصیل را سرتیپ بگوید. وی به شوکت‌الملک پیشنهاد کرد زودتر اقدام نماید، زیرا اعتقاد داشت برای وی کار مشکلی نیست و خیلی بهتر است با داشتن شتر زیاد زودتر اقدام نماید. علت پیشنهاد خبیرالدوله به شوکت‌الملک این بود که در آن زمان در تهران مذاکراتی درباره وی می‌شد و باید وی به قسمی رفتار می‌کرد که نیک نامی حاصل گردد و از این بهتر کاری نمی‌شد تا خیلی دسائس رفع شود (همانجا).

درباره حمل سیم حکمی نیز به نایب سربیشه نوشته و تقاضا شد «سی چهل شتر جهت حمل سیم‌های بیرجند از هر جا هست تهیه شود» (همان: سند شماره ۱/۲۵۱۰). بالاخره

تلگراف به سریشه در ۱۲ فرسنگی بیرجند رسید. طبق گزارشی در ۲۰ آوریل ۱۹۰۳ م. خط تلگراف جدید به سریشه رسید (Iran political 1881-1965, 1997, V. 2: 107). این خبر را روزنامه ایران در پنجشنبه هفتم ماه ذی القعدة الحرام ۱۳۲۰ ق. اعلام کرد که دستگاه تلگرافی در آنجا نصب شده و عامه اهالی از این نعمت و موهبت کمال شکرگزاری و مسرت را دارند (ایران، شماره ۱۰۲۹، ۴).

برای مسیر جنوب سریشه نیز از شوکت‌الملک خواسته شد همکاری نماید. خبیرالدوله در ۱۹ محرم ۱۳۲۱ ق. طی تلگرافی از شوکت‌الملک خواست با عجله شتر بفرستد، تیر را از بنی‌آباد حمل نمایند تا کار سیم‌کشی بیش از این معوق نماند و درباره کرایه هم نوشت هر قسم قرار کرایه را بفرمائید انجام می‌شود. وی درباره فواید سیاسی آن نیز قید کرد «هر چقدر زودتر این خدمت انجام شود مایه روسفیدی جنابعالی در خاکپای مبارک همایونی روحنفاذ و امتنان جمعی خواهد شد و نتیجه‌های خوب دارد. منتظرم زودتر شتر حاضر و این کار انجام شود» (آستان قدس رضوی: سند شماره ۹۱۸۵/۳۱) پس از این که مقرر شد برای شترهای کرایه به دهند خبیرالدوله درباره کرایه شتر هم یادآور شد «در صورتی که مخبر الدوله امر فرموده‌اند هر قسم خود جنابعالی کرایه را معین فرمائید التفات خواهند نمود دیگر جای حرفی باقی نمی‌ماند» (همانجا).

تصمیم‌گیری درباره کرایه شترهای حامل تیر تلگراف برای این طرح عظیم فراتر از مسأله ایالتی بود و به همین جهت، مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف در ۲۱ محرم ۱۳۲۱ ق. تلگرافی به بیرجند مخابره کرد و برای رفع نگرانی شوکت‌الملک بابت همکاری و کرایه شترها توضیح داد که «مقصود از احکام دولتی که بر عهده جنابعالی در خصوص عمل شتر و حمل تیر صادر شده این نیست که کرایه و مخارج آن را از خودتان بدهید بلکه هر چه وجه کرایه معمول آن است و خود جنابعالی بفرمائید که چه مبلغ است تا دینار آخر داده می‌شود و در این زمینه از وی تشکر کرد» (همان: سند شماره ۲۵۶۸/۱).

هم‌چنان که از محتوای بیشتر تلگراف‌ها و نامه‌های باقی مانده در این زمینه برمی‌آید، هزینه‌های حمل و نقل یکی از مهم‌ترین مشکلات این سیم‌کشی طولانی بود. نمونه‌ای از این مشکلات پرداخت ۷۰۰ تومان توسط محمدحسین خان سرتیپ تلگراف‌خانه بیرجند به

محمد گاریچی بود. شوکت‌الملک ۱۰۰۰ تومان به محمد گاریچی داده بود و وقتی این رقم را از خبیرالدوله، رئیس تلگراف خراسان خواست طی تلگرافی در ۱۹ محرم ۱۳۲۱ ق. سخت مورد انتقاد قرار گرفت. خبیرالدوله تلگراف وی را خیلی مایه حیرت و تعجب دانست، زیرا وی را آدم درست، درستکار و قاعده‌دان می‌دانست و انتظار چنین اظهار نظری نداشت و در این باره اشاره کرد اولاً در باب ۷۰۰ تومان که توسط محمدحسین خان سرتیپ به محمد گاریچی داده‌اید، جنابعالی نباید دیناری بدهید و اگر هم می‌دادید باید به حواله کرد بنده یا حواله ایالتی باشد. خبیرالدوله از وی انتقاد کرد که بدون اطلاع همه ۱۰۰۰ تومان به محمد حسین خان دادید. ۳۰۰ تومان آن که خرج اداره کرده بود، فوراً نقد داده شد و به جنابعالی رسانیدند. ۷۰۰ تومان که به محمد گاریچی داده شده چون بدون اطلاع و حواله بنده بوده، بنا شد از سرتیپ تلگراف‌خانه دریافت دارید و از او مطالبه نمائید. سبحانقلی خان سرتیپ ضمانت این پرداخت را نمود که محمد گاریچی یا ۷۰۰ تومان را بدهد یا گاری‌ها را تسلیم نماید. وی پیشنهاد کرد به موجب ضمانتی که نموده گاری‌ها را باید تسلیم گماشتگان شوکت‌الملک نمایند و گاری‌ها حاضر بود که تسلیم نمایند و ضمانت نامه او را مسترد دارند. شوکت‌الملک به خبیرالدوله نوشته بود محمد گاریچی ۱۰۰۰ تومان از رعایا جنس گرفته و قیمت آن را نداده است. خبیرالدوله نیز در جواب، اظهار بی‌اطلاعی کرده و نوشت: «بنده ابداً مطلع نیستم و محمد گاریچی اجزای اداره نبوده است. آدمی است گاریچی و کرایه بگیر. سیم، مقره و تیر به مبلغ معین کنترات نموده و تمام و کمال کرایه خود را گرفته است. علاوه بر کرایه محض رعایت حال او ۲۰۰ تومان هم انعام به او داده شد، جز کرایه حق دیگری به اداره ندارد چون تا دینار آخر گرفته شده است» (همان: سند شماره ۱ و ۳/۹۱۸۵). خبیرالدوله درباره پیامدهای این گونه رفتارها به تمهیدات خود اشاره کرد که مکرر به شوکت‌الملک و کنیازه تأکید نمود که ممنوع نمایند کسی به او قرض ندهد و اگر کسی قرض بدهد مربوط به اداره تلگراف‌خانه نیست. خبیرالدوله در این زمینه دستور داد در این صورت اگر بدهی به رعایا دارد امر و مقرر فرماید او را نگاهدارند و از او حتماً دریافت کنند. وی برای پرداخت بدهی‌های محمد گاریچی نیز نوشت حدود ۲۰۰۰ تومان گاری دارد بفروشد بدهی مردم را بدهد آنچه مخارج اداره شده از بابت قیمت تیر و غیره بر عهده بنده است که تا دینار آخر می‌رسانم ولی اعمال محمد

گاریچی به ما مربوط نیست آنچه تیر و غیره داده شده حساب نمایند. هر مبلغ که مسیو کنیاز می نویسد صحیح است. خبیرالدوله اظهار امیدواری کرد که اجزای تلگراف خانه دیناری بی حسابی به احدی ندهند و خطاب به شوکت الملک نیز نوشت «خود جنابعالی را در این عرایض منصف قرار می دهم. محمد گاریچی شاید ۱۰۰۰۰ تومان از رعیت می گرفت به اداره چه ربطی دارد» (همانجا) و دستور داد امر فرماید تا دنیار آخر از او بگیرند.

همکاری شوکت الملک در سیم کشی تلگراف به قاینات علی رغم مشکلات مالی خوب بود و باعث شد از وی تقدیر شود. تلگرافی توسط کنیازه و اچنادزه برای شوکت الملک نوشته شد و از بذل همراهی و... همدستی و مساعدتی که در خصوص عمل سیم کشی این خطه، که از خدمات بزرگ دولت بود، ابراز امتنان و خوشنودی شد و از اثرات آن گفت که در حضور شاه و دولت خیلی به طور شایسته جلوه خواهد کرد که مورد تمجید و تحسین واقع گردید و پیش بینی کرد که کارها قریب به اتمام است همین قسم ملاحظت و همراهی نماید که جلوه آن بهتر و کامل دیده شود (همان: سند شماره ۲۵۶۸/۱).

اتابک اعظم نیز در ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۱ ق. تلگرافی درباره فراهم کردن وسایل تلگراف برای شوکت الملک ارسال کرد (همان: سند شماره ۷۳۳۰۹/۱). با وجود تأکیدهای زیاد درباره هزینه سیم کشی تلگراف، سوء استفاده‌هایی کلی نیز در هزینه‌ها وجود داشت. خبیرالدوله در ۲۲ شوال ۱۳۲۱ ق. به شوکت الملک نامه‌ای نوشت و از نامه‌ای یاد کرد که در اواخر سال قبل از طریق پست خراسان، جهت عین الدوله صدراعظم توسط وی ارسال شد و محتوای آن درباره وجه تیر و سیم تلگراف بود. خبیرالدوله این بار از شوکت الملک پرسید: «در باب وجه تیر و سیم تلگراف ندانستم با جناب مخبرالدوله چه کردید بکلی صرف نظر کردید یا نه؟ هر گاه میل خاطر مبارک باشد روغن ریخته وقف امامزاده کنید» (همان: سند شماره ۳۷۴۶/۲). اما در صورت درخواست آن وجه، پیشنهاد داد تفصیل را به عین الدوله بنویسد و خبیرالدوله را وکالت دهد و اسناد آن را بفرستد تا از مخبرالدوله مطالبه نماید. خبیرالدوله درخواست کرد آنچه اسناد دولتی حواله جات جناب اتابک قبض رسید تلگراف خانه است، بفرستد، زیرا از نظر وی دولت از این معامله اطلاع ندارد. وی در پایان علیه مخبرالدوله نوشت: «چرا باید مخبرالدوله بخورد؟» (همانجا).

مرحله چهارم: سرپیشه - سیستان

هر چه خط تلگراف به سوی جنوب پیش می‌رفت مشکلات آن بیشتر مشخص می‌شد. ابراهیم تلگرافچی در گزارشی به شوکت‌الملک نوشته این فدوی چند روز است وارد شده به واسطه مشغله زیاد و مخابرات تلگرافی، محروم از عرض حال و شرفیابی شده به موجب این عریضه برای همه قسم خدمتگزاری حاضر و امیدوارم خادم باشم نه خائن. هر وقت هم رأی مبارک اقتضا فرماید شرفیابی حاصل کند. در قسمتی از این نامه عدم همراهی حکام و نیروهای محلی بازگو و انتقادهایی شده است. یکی از این موارد، عدم همکاری نایب‌الحکومه نه با مهندس کنیاز بود. کنیاز وارد نه شد و پانزده نفر شتر زیر بار داشت که از سیستان همراه خود آورده بودند و در نه مرخص کرد و به جای آنها، از نایب نه درخواست شتر نمود. با وجود اینکه مسیو کنیاز کرایه هم می‌داد حاکم تمکین نکرده و شتر برایش راه نینداخت. نمونه دیگر، عدم همراهی ده سلمی‌ها بود. ده سلمی هم تیرهایی که برده بودند در ده سلم ریختند و به سیستان نبردند. کنیاز از طریق ابراهیم تلگرافچی از شوکت‌الملک تقاضا کرد دو تلگراف یکی به نایب نه مخابره کند که پانزده نفر شتر بدهد و تلگراف دیگری برای ده سلمی‌ها مخابره کند که تیرها را حمل کنند تا وی زودتر حرکت نماید (همان: سند شماره ۷۰۶۱۹).

کنیاز نیز از نه به شوکت‌الملک تلگراف کرد و درباره کرایه شتر برای حمل تیر سؤال نمود و نوشت: «از تهران به اینجانب حکم شده که برای فراهم نمودن شتر و حمل چوب از بنی آباد با جنابعالی گفتگو نمایم» (همان: سند شماره ۲۵۶۸/۱). وی در تلگراف نوشت «۱۰۰۰ نفر شتر از خاک قاینات برود از بنی‌آباد چوب برای خط سیستان حمل نماید» (همانجا) و از وی خواست هر چه قدر کرایه ۱۰۰۰ نفر شتر می‌شود، معین نموده اطلاع بدهد تا به تهران اطلاع داده شود و الا طوری رفتار خواهند فرمود که نیک نامی و صرفه دولت هم منظور گردد. تأمین این تعداد شتر برای بخش‌های اقتصادی نیز زیان بار بود، زیرا برخی از شتردارها در انتقال کالا نقش اساسی داشتند و برای فرار از بیگاری حکومت محلی، تدابیری تازه ای اندیشیدند. طبق گزارش ۲۰ آوریل ۱۹۰۳ م، ۱۳۲۱ ق. زمانی که به‌وسیله کنسول روس ۱۰۰۰ شتر نشان‌گذاری و با دستور نماینده حکومت به نه فرستاده شد. این امر سبب گردید تعدادی از تاجر از ترس توقیف شترانشان به کویته فرار کنند (1997, V. 2: 107). (Iran political diaries 1881-1965).

خط تلگراف در ۲۴ مارس ۱۹۰۳ م. / ۱۳۲۱ ق. به نه رسید و یک تلگراف خانه آنجا باز شد. انگلیسی‌ها احتمال دادند خط قبل از رسیدن به نصرت آباد تأخیر داشته باشد. گفته می‌شد مهندسین روسی راهی تا سیستان طرح کردند که خط را دوبار طولانی می‌کرد. آنها برای این کار دو جاده داشتند: یکی از هامون که بیشتر باتلاق بود دیگری از مسیر دورتر از واحه علی آباد و ماده (از روستای پلنگ کوه) تا سهوک و از آنجا تا مرکز سیستان. برآورد کردند این خط تا نیمه ماه مه به نصرت آباد نرسد (همان، ج ۲: ۱۱۵).

در مقابل شوکت‌الملک که بر سر هزینه چانه‌زنی‌هایی داشت، حشمت‌الملک حاکم سیستان همکاری جدی با مهندسین تلگراف نمود. طبق گزارش ۱۳ اکتبر ۱۹۰۳ م. / ۱۳۲۱ ق. امیر سیستان دستور داد از جیب خودش هزینه تأسیس خط تلگراف از قاین تا سیستان را پرداخت کنند و او به عنوان اولین قسط، ۲۰۰۰ تومان برای میلیر^۱، کنسول روسیه در سیستان فرستاد (همان، ج ۲: ۱۳۵). همگام با امتداد خط تلگراف تلگرافچی‌های ایرانی، روسی و انگلیسی هم در مسیر مستقر شدند که تلگراف‌های آنها در سال‌های اولیه گزارش‌های مستندی از یک طرح عظیم است. کوپر تلگرافچی انگلیسی مستقر در شوسف در ۱۹۰۳ م. / ۱۳۲۱ ق. گزارش داد که مهندسین روسی سازنده تلگراف خط بیرجند - سیستان در ۳۱ اکتبر ۱۹۰۳ م. / ۱۳۲۱ ق. وارد شدند و گفتند انتظار دارند خط تلگراف در ۲۰ نوامبر به بندان و در ۱۰ دسامبر لب برینگ برسد، اما هامون همچنان یک مانع بود و نمی‌شد اظهار نظر کرد چه زمانی تا نصرت آباد تمام می‌شود (همان، ج ۲: ۱۸۹). خط تلگراف هر چه به سیستان نزدیک تر می‌شد با مانع طبیعی جدی تری برمی‌خورد. در دسامبر ۱۹۰۳ م. به لب برینگ رسید، اما قبل از اینکه بتواند از وسط هامون عبور و به نصرت آباد برسد، مقداری با تأخیر مواجه شد (همان، ج ۲: ۱۹۸). براساس گزارش ماه دسامبر ۱۹۰۳ م. تلگراف مشهد - سیستان به کناره غربی هامون رسید و مهندسین روسی امیدوار نبودند که آن را به سادگی به اتمام برسانند، چون هامون اکنون یک مانع جدی بود (همان، ج ۲: ۲۰۴).

سپس در ماه مه ۱۹۰۴ م. / ۱۳۲۲ ق. یک پیام تلگراف روسی از بیرجند رسید و رئیس

1. M. Miller

لندور سیاح انگلیسی از میلر قونسول روس در سیستان بسیار تعریف کرده او را مردی لایق و با هوش معرفی نموده که چند زبان را به خوبی صحبت می‌کرد و مأمور قابل‌ای برای دولت متبوع خود بود (لندور، ۱۳۸۸: ۳۹۹).

تلگراف آنجا گفت دستورات برای ساخت دریافت کرده است (همان، ج 2: 232). بالاخره طبق گزارش ژانویه ۱۹۰۴ م. ۱۳۲۲ ق. خط تلگراف در ۲۱ دسامبر ۱۹۰۴ م. ۱۳۲۲ ق. کامل شد و در آن تاریخ یک تلگراف خانه در شهر نصرت آباد افتتاح گردید (همان، ج 2: 299). بدین ترتیب یکی از مهمترین خطوط تلگرافی ایران به طول ۶۰۸ مایل (۹۸۷ کیلومتر) کشیده شد (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۹۴۳).

کنترل روس ها بر خط تلگراف مشهد - سیستان

خط تلگراف مشهد - سیستان طبق برنامه روس ها آغاز و توسط مهندسین روسی احداث شد. مسیو کنیاز و اچنادزه مسؤول اصلی ساخت و بهره برداری از آن بود. طبق گزارش ۲۰ آوریل ۱۹۰۳ م. ۱۳۲۱ ق. کارگزار خارجه خراسان، خط مشهد - سیستان کاملاً تحت سرپرستی روس ها بود (Iran political diaries 1881-1965, 1997, V. 2: 104). تلگرافی روس تمام این خط تلگراف را کنترل می کردند. روی مرکز خواف از سال ۱۳۲۰ ق. که خط تلگراف مشهد - سیستان از آن عبور کرد، اهمیت خاصی در شرق ایران یافت و یک تلگرافی روس در آنجا مستقر شد (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۴۰۹). کنیاز و اچنادزه مسؤول اصلی خط، بیشتر اوقات در خواف اقامت داشت تا بالاخره در سال ۱۳۳۸ ه. ق. در همان جا درگذشت^۱.

هر چه خط تلگراف مشهد - سیستان تکمیل تر می شد استخدام و به کارگیری تلگرافی ها بیشتر می شد و روس ها جایگاه مهمی در بین این نیروها داشتند. طبق گزارش ۸ اگوست ۱۹۰۴ م. ۱۳۲۲ ق. دو تلگرافی تازه روس به مشهد رسیدند. یکی برای بیرجند و دیگری برای اقامت در مشهد انتخاب شدند (Iran 1881-1965, 1997, V. 2: 237, political diaries). مکفرسون از یک افسر تلگراف ایرانی شنید یک بازرس روس برای کنترل فعالیت های خط خواف - سیستان منصوب شده است (همان، ج 2: 362). در گزارش ۳ اکتبر ۱۹۰۴ م. ۱۳۲۲ ق. نیز آمده برای کنترل ایستگاه های خط تلگراف

۱. روزنامه رعد در ۲۷ شوال ۱۳۳۸ ق. ۲۳/ سرطان ۱۲۹۹ ش. خبر داد کنیاز و اچنادزه مهندس سیم سیستان که در خواف مقیم بود و قریب چهار ماه مبتلا به سینه درد و امراض دیگر شده بود، دیشب فوت نمود. صاحب منصب دولت فخمیه در منزل مشارالیه قراول گذارده است (رعد، شماره ۷۷، سال یازدهم: ۱).

مشهد - سیستان برای خط جنوب خواف یک بازرس جدید روسی منصوب شد و بازرس اول متصدی ایستگاه‌های مشهد - خواف باقی ماند (همان، ج 2: 245). کنترل روس‌ها بر این خط با سوء استفاده‌های مالی نیز همراه بود. مکفرسون^۱ در نوامبر ۱۹۰۵ م. گزارش داد که یک مسوول تلگراف ایران در مشهد، بودجه‌ای برای بازرس روس فراهم کرد تا خط را تعمیر کند. همچنین اطلاعاتی از بیرجند دریافت می‌شد که کارکنان تلگراف ایران، موظف به کمک به این پروژه بودند. یک ماه بعد مکفرسون کشف کرد بودجه تعمیرات، توسط مقامات ایرانی خرج نشده بلکه توسط ژنرال کنسول روسیه در مشهد خرج شده است. مقامات روسی بعد از آن برای نگهداری خط و دستورات صادر شده برای مسوولان تلگراف ایرانی در دفاتر تلگراف خانه پاسخگو بودند (Stebbins, 1997: 185). نگهداری این خط تا زمان انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷ م. در اختیار روس‌ها بود. این کنترل از همان ابتدا مشهود و از نظر انگلیسی‌های حاضر در خراسان، مهم بود. این خط تلگراف، قرار بود علاوه بر روس‌ها مورد استفاده ایرانی‌ها و انگلیسی‌ها قرار گیرد. در گزارش سال ۱۹۰۴ م. / ۱۳۲۲ ق. انگلیسی‌ها، آمده خط مشهد - سیستان صرفاً مقاطعه ایرانی است و تلگرافچی‌های روسی و انگلیسی نیز ممکن است استخدام شوند و یک کارمند روسی نیز استخدام شد. این خط جزو سیستم دولتی ایران بود و در اواخر دوره قاجار در حدود ۱۵ نفر کارمند روسی در طول خط مشغول به کار بودند که مسوولیت تعمیرات و راه‌اندازی آن را به عهده داشتند، اما پس از جنگ جهانی اول، در مسیر خط تربت حیدریه، بیرجند و نصرت‌آباد عمدتاً تلگرافچی‌های انگلیسی مستقر شدند (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۹۴۳).

نفوذ روس‌ها نه تنها در خط مشهد - سیستان بلکه در کل شبکه تلگرافی خراسان بود و به‌طور پنهان با انگلیسی‌ها در زمینه نفوذ بر مدیران تلگراف خراسان رقابت می‌کردند. کنیاز و اچنادزه نیز در این رقابت نقش مهمی داشت. به طوری که نفوذ وی منجر به خلع خبیرالدوله رئیس تلگراف خراسان در سال ۱۹۰۵ م. / ۱۳۲۳ ق. گردید. خبیرالدوله را در ماه مه ۱۹۰۵ م. / ۱۳۲۳ ق. به درخواست سفارت روس به تهران احضار کردند (چرچیل، ۱۳۶۹: ۷۴). طبق گزارش ۱۴ ژوئن ۱۹۰۵ م. / ۱۳۲۳ ق. مدیر تلگراف مشهد مخفیانه با خبر تلگرافچی

روسی در خوف، کنیاز که ابزاری در تصرف داشت، از ریاست منفصل شد، اما سرآرتور هاردینگ مسؤولیت مدیر تلگراف مشهد را تعهد کرد (1965, 1997, V. 2: 411- Iran political diaries 1881). این اقدام روس‌ها چندان بی‌پایه و اساس نیز نبود، زیرا انگلیسی‌ها همواره تلاش می‌کردند مأموران ایرانی را تطمیع و به نفع خود خریداری نمایند. سرپرسی سایکس که مدتی سرکنسول انگلیس در مشهد بود، از تطمیع خبیرالدوله مسؤول تلگراف خراسان یاد کرده که با اعتراض روس‌ها تغییر کرد و خبیرالسلطنه جای وی را گرفت (وین، ۱۳۸۳: ۱۸۶).

روس‌ها در رقابت با انگلیسی‌ها کنترل بر خط تلگراف مشهد - سیستان را در سال ۱۹۰۶م./۱۳۲۴ق. تکمیل کردند. روس‌ها در سپتامبر ۱۹۰۶م./۱۳۲۴ق. خط تلگراف را از طریق دفتر تلگرافی جدیدشان در سیستان قطع و منحرف کردند. در نتیجه، روس‌ها به همه پیام‌های فرستاده یا دریافت شده در دفتر تلگراف ایران در نصرت آباد از جمله تردد انگلیسی‌ها، دست می‌یافتند. تلگراف‌های کنسول بریتانیا رمزگذاری شده بودند، اما وضعیت آنها ایده‌آل نبود (Stebbins, 1997: 186).

در همین راستا، انگلیسی‌ها در تلاش برای کاستن از اهمیت این خط تلگراف تحت کنترل روس‌ها بودند و طبق گزارش انگلیسی‌ها، هنگامی که خط کاشان - کرمان بخشی از سیستم تلگراف هند و اروپایی که مقاطعه انگلیسی‌ها و در حال ساخت بود، تکمیل می‌شد. پیام‌های آنها از سیستان کاهش می‌یافت (1881-1965, 1997, V. 2: 264- Iran political diaries).

نتیجه

تلگراف یکی از مهمترین ابزارهای ارتباطی در دوره قاجار بود و از دوره ناصرالدین شاه، خطوط مختلفی در ایران با حمایت روسیه و انگلیس کشیده شد. پس از ایجاد خط تلگراف تهران - مشهد، مهم‌ترین خط تلگراف خراسان در مسیر مشهد - بیرجند - سیستان کشیده شد. از آنجا که روس‌ها از اواخر دوره ناصرالدین شاه رقابت خود را با انگلیسی‌ها برای نفوذ بر سیستان گسترش دادند و موفق به تأسیس کنسولگری نیز شدند، برای تسهیل ارتباطات و

تحکیم دامنه این نفوذ، برنامه خط تلگراف مشهد - سیستان را از طریق پرداخت وام به ایران اجرا کردند که ۹۸۷ کیلومتر طول داشت و قلمرو خاندان علم را در قاینات و سیستان به مرکز قدرت در مشهد و تهران متصل می‌کرد. اگر چه روس‌ها در رقابت با انگلیسی‌ها در این زمینه پیشگام شدند ولی از آنجا که انگلیسی‌ها نیز می‌توانستند از فواید ارتباط سریع بین سیستان و هندوستان با مشهد بهره ببرند، مخالفتی با این طرح نداشتند. این خط تلگراف، کنترل مرکز بر حکام منطقه را سریع‌تر و راحت‌تر کرد و تحرکات دول خارجی در منطقه را بهتر کنترل می‌نمود. در عین حال، مشکلات مردم را نیز زودتر انعکاس می‌داد.

ساخت خط تلگراف در محدوده قاینات، مشکلات بسیاری داشت و برخی از مشکلات، مخصوص این منطقه جغرافیایی بود. مشکلات این خط به‌طور کلی به دو دسته طبیعی و انسانی تقسیم می‌شود. تأمین تیرهای تلگراف مهم‌ترین مشکل این مسیر بود، زیرا وضعیت طبیعی منطقه قاینات و سیستان مناسب برای رویش چوب‌هایی که برای تیر تلگراف استفاده شود، نبود و باید تیرها از بنی‌آباد و نشتیفان خواف به قاینات حمل می‌شد. در سیستان نیز عبور خط تلگراف از دریاچه هامون که در فصل پرآبی به صورت باتلاق وسیعی درمی‌آمد، مشکل طبیعی دیگری بود. ولی این مشکلات طبیعی اجتناب‌ناپذیر بود. مشکل دیگر تهیه وسیله حمل و نقل بود. در مسیر مشهد - خواف، گاریچی‌ها به صورت قرارداد امور حمل و نقل را انجام می‌دادند ولی در حوزه قاینات و سیستان اسب و گاری کارایی نداشت و نمی‌توانست چند صد کیلومتر تیر را حمل کند به همین جهت، استفاده از شتر ضروری بود.

برخی از مشکلات خط تلگراف مشهد - سیستان به رفتارهای مأموران و حکام مربوط می‌شد. در قاین و بیرجند که در قلمرو شوکت‌الملک واقع بود، ابتدا همکاری و پذیرایی خوبی با مأموران تلگراف نشد. شوکت‌الملک و حشمت‌الملک حکام قاینات و سیستان، باید در زمینه حمل تیر تلگراف کمک می‌کردند و مقرر شد مسیر از بنی‌آباد تا سیستان بین این دو تقسیم شود. شوکت‌الملک از بنی‌آباد تا سریشه و حشمت‌الملک از سریشه تا سیستان را برعهده گرفت. ولی هزینه و کرایه حمل و نقل مسأله دیگری بود که بین شوکت‌الملک و مأموران حکومتی ایجاد مشکل کرد. با وجود این که مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف وعده‌ی تأمین کرایه حمل و نقل را داده بود، ولی پرداخت آن در عمل با تأخیرهایی همراه بود و سیم‌کشی را

با مشکل مواجه کرد. از سوی دیگر، در حالی که حکومت شوکت‌الملک بخاطر رقابت با برادرش حشمت‌الملک با چالش‌هایی مواجه شده بود تأمین هزینه سیم‌کشی تلگراف و هدیه آن به دولت می‌توانست موفقیتی برای وی به‌دنبال آورد. ولی این مسأله مورد سوء استفاده برخی از مدیران و مسؤولان در تهران نظیر مخبرالدوله قرار گرفت و خبیرالدوله خواستار پیگیری آن بود. سوء استفاده‌های مالی مدیران جزء، نظیر یک گاریچی تا مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف نیز قابل توجه بود. از آنجا که حکومت قاینات شترهای مردم را به بیگاری می‌گرفت، شتردارهای فعال در زمینه حمل و نقل کالا، در مسیر سیستان - قاینات نیز متضرر می‌شدند و برخی از شتردارها به سوی مناطق جنوبی‌تر متواری شدند که اثرات منفی آن بر تجارت منطقه قاینات وارد شد.

کنیاز و اچنادزه مهندس روسی طراحی مسیر خط و اجرای آن را برعهده داشت و پس از تکمیل خط نیز با استقرار در خواف، نزدیک به دو دهه کنترل آن را در دست داشت. کنترل روس‌ها از همان ابتدای شروع فعالیت خط تا وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م. روسیه ادامه یافت و با تلگرافچی‌های انگلیسی به‌طور مستقل از این خط استفاده می‌کردند، ولی کنترل روس‌ها بر این خط، بیش از این که برای ایرانی‌ها ایجاد نگرانی کند، برای انگلیسی‌ها نگران‌کننده بود.

منابع و مأخذ

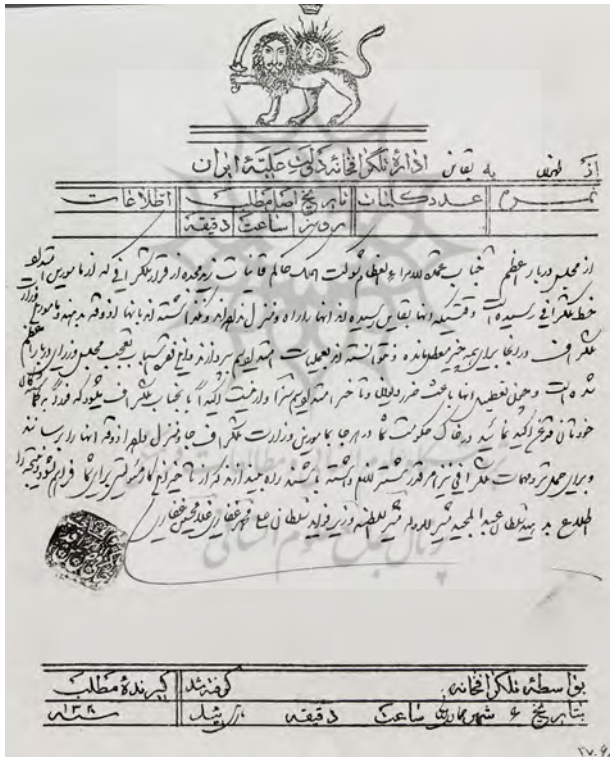
۱. آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲. اعتصام‌الملک، میرزا خانلرخان (۱۳۵۱). *سفرنامه خانلرخان اعتصام‌الملک*. به کوشش منوچهر محمودی، تهران: منوچهر محمودی.
۳. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*. تصحیح محمد اسمعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
۴. چرچیل، جورج پ. (۱۳۶۹). *فرهنگ رجال قاجار*. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. تهران: زرین.
۵. ریاضی هروی، محمدیوسف (۱۳۷۲). *عین الوقایع*. تصحیح محمد آصف فکرت. تهران:

- انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۶. سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۸۶). *مرآت الوقایع مظفری*، ج ۱. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب.
۷. سه سفرنامه (۱۳۵۶). به کوشش قدرت الله روشنی. تهران: توس.
۸. صبوری، میرزا محمد کاظم (۱۳۴۲). *دیوان حاج میرزا محمد کاظم صبوری*، ملک الشعراء آستان قدس. تصحیح محمد ملک زاده. تهران: ابن سینا.
۹. صفایی، ابراهیم (۱۳۴۶). "افتتاح تلگراف طهران - مشهد". *مجله نگین*، سال سوم. شماره ۳۱.
۱۰. کاظم زاده، فیروز (۱۳۵۴). *روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴*، پژوهشی درباره امپریالیسم. ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، فرانکلین.
۱۱. کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان (۱۳۸۰). *فرهنگ جغرافیای ایران: خراسان*. ترجمه کاظم خادمیان. مشهد آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۲. کرزن، جرج ناتائیل (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*، ج ۱. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. لندور، آرنولد هانری ساویچ (۱۳۸۸). "اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت" در: *سرزمین آرزوها*. ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی. تهران: اطلاعات.
۱۴. وین، آنتونی (۱۳۸۳). *ایران در بازی بزرگ*. ترجمه هوشنگ مهدوی. تهران: پیکان.
۱۵. بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵). *سفرنامه خراسان و سیستان*. ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری. تهران: یزدان.
۱۶. روزنامه ادب. شماره ۱۸. سال دوم و شماره ۳۴. سال دوم.
۱۷. روزنامه ایران. شماره ۱۰۲۹.
۱۸. رعد، شماره ۷۷. سال یازدهم.
۱۹. آستان قدس رضوی. مرکز اسناد: ۱-۲۵۰/۱/۳ و ۲۵۰/۲/۲ و ۲۵۰/۳/۱ و ۲۵۰/۶/۱ و ۲۵۰/۶/۲ و ۲۵۰/۷/۱ و ۲۵۰/۸/۱ و ۲۵۰/۸/۲ و ۲۵۰/۹/۱ و ۲۵۱/۰/۱ و ۲۵۱/۱/۱ و ۲۵۶/۸/۱

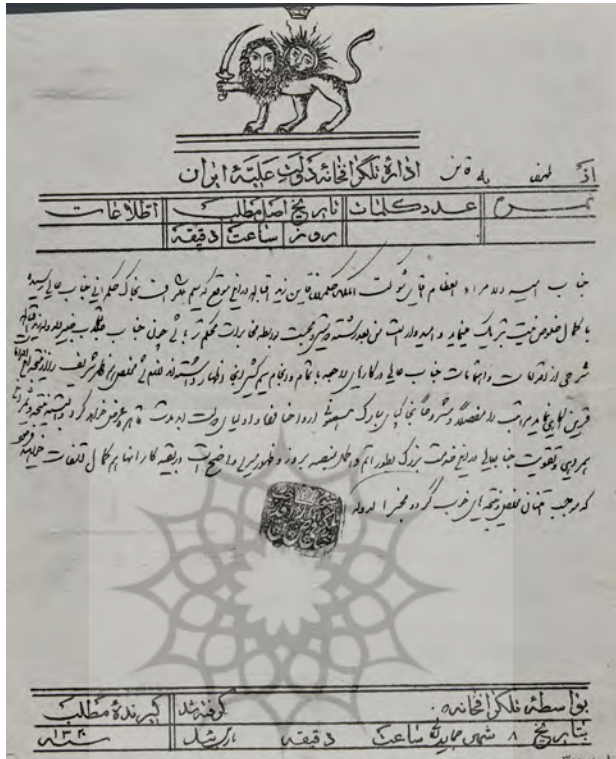
و ۳۷۰۶/۱ و ۳۷۰۷ و ۳۷۰۸/۱ و ۳۷۴۶/۲ و ۱ و ۹۱۸۵/۳ و ۷۰۴۴۳/۲ و ۷۰۴۴۳/۳ و ۷۰۴۴۳/۵ و ۷۰۴۴۳/۴-۱ و ۷۳۳۰۹/۱ و ۷۰۶۱۹ و ۷۰۴۴۳/۵

20. Iran political diaries 1881 -1965 (1997), General Editor Dr R.M.Burrel.

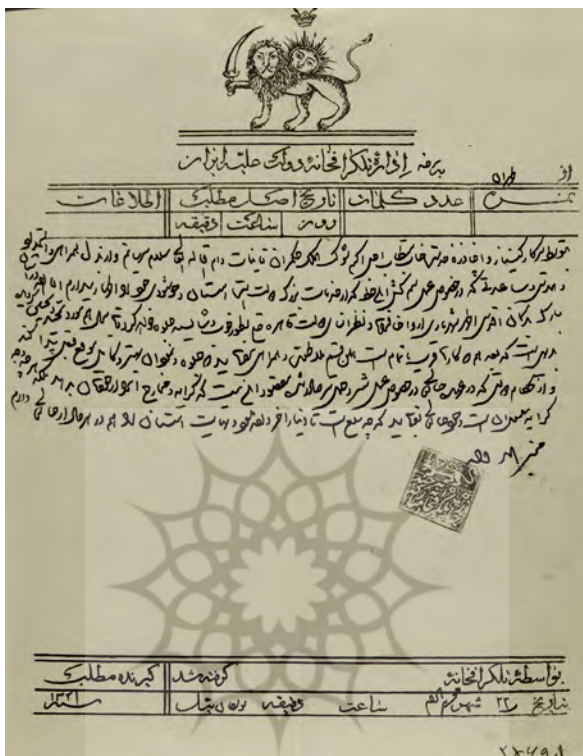
21. British consuls and "local" imperialism in Iran, (2009) stebbins, h.lyman, 1889-1921, Illinois, the university of chicago, chicago.



تلگرافی دربار در توییخ شوکت الملک بخاطر عدم استقبال از ماموران تلگراف



تلگرافی مخبر الدوله وزیر پست و تلگراف به شوکت الملک مبنی بر همکاری با سیم کشی تلگراف



تلگراف مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف به شوکت الملک

درباره همکاری با سییم کشی تلگراف